

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارش ها	Reports
----------	---------

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۰/۱۰/۲۵

در افغانستان چه می گذرد؟ (۸۹)

اسامه و الظواهری در شمال غرب پاکستان:

یک مقام ناتو که نخواست نامش فاش شود، اخیراً گفته است که اسامه و الظواهری در شمال غرب پاکستان در خانه های امن و آسوده که به وسیله مردم محل و یا استخبارات پاکستان آماده و محافظت می شوند، زندگی دارند. وی همچنان گفته است که شواهد موثق وجود دارد که در روز های اخیر ملا عمر میان شهر های کویته و کراچی در رفت و آمد بوده و مصروف فعالیت بوده است. اینکه با این همه معلومات موثق که از محل بود و باش اینان غربی ها با خبر اند، اما اقدام به کشتن و یا دستگیر کردن آنان نمی کنند برای همه سوال است. این دیگر برای هر فرد افغان معلوم شده است که در تحلیل نهائی دم القاعده و طالبان زیر پای خود غربی ها مخصوصاً امریکا قرار دارد. ورنه با این همه معلومات که هراز گاهی به وسیله استخبارات این کشور ها ارائه می گردد باز هم چگونه این رهبران ارشد، زنده و سر حال و آرام گشت و گذار دارند. مردم افغانستان حال فهمیده اند که اشغالگران امریکائی به این خاطر در جهت دستگیری آنان اقدام نمیکنند که اگر آنها دستگیر شوند و جنگ در افغانستان به پایان برسد، وجود امریکائی ها و دیگر اشغالگران در افغانستان با سوال رو به رو می گردد. هالبروک گفته است که صلح هر طوری دل دولت افغانستان بخواهد صورت نمی گیرد چون امریکا در افغانستان منافع ستراتیژیک دارد و تا زمانی که طالبان این خط های سرخ را در نظر نگیرند، ممکن نیست در افغانستان صلح به میان آید. این منافع چیزی جز تائید بر اشغال دراز مدت افغانستان چیز دیگری نیست.

کندهار در آتش:

درین روز ها قندهار زیر ضربات خورد کننده قرار دارد. این ولایت که در جنوب افغانستان واقع است، از نظر تاریخی یکی از مراکز مهم تحولات کشوری بوده است. با اینکه حال سال ها از مرکزیت قندهار می گذرد، اما این ولایت در سی سال اخیر مرکز تحولات مهمی به حساب آمده است. با اینکه بعد از بیرون رفتن روسها از افغانستان و سقوط دولت نجیب، مرکز ثقل جنگهای تنظیمی در کابل و ویرانگری های رهبران تنظیمی باعث برپادی کابل

شد، اما در ختم این غایله دست کندهار از هرجائی بلند تر بر آمد و با ظهور طالبان ازین خطه به زودی طومار حکومت تنظیمی که طالبان آنرا «شرو و فساد» می نامیدند از افغانستان برچیده شد. ظهور طالبان و برپائی امارت آنان در کندهار بعد از دو قرن بار دیگر این ولایت را به مرکز افغانستان مبدل نمود و «آب رفته به جوی باز آمد». بعد از یازده سپتمبر که نیرو های اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا به افغانستان آمدند و جنگ علیه طالبان را شروع کردند، کندهار بار دیگر به عنوان مرکز ثقل دو طرف جنگ مبدل گشت. امریکائی ها یکی از بزرگترین پایگاه های نظامی شان را در میدان هوائی کندهار ایجاد نمودند. پایگاهی که امروز یکی از میدان های بی نظیر اشغالگران امریکائی در دنیا می باشد. به سر رسیدن بیش از هفتصد پرواز نظامی و غیر نظامی از این میدان در روز و وسعت آن که چند خط پرواز را در خود جا داده و بیشترین طیاره های شکاری ، بی پیلوت، هلیکوپتر، طیاره های باربری نظامی امریکائی درین میدان جابه جا شده، در کنار آنها طیاره های ملکی نیز ازین میدان پرواز می کنند، نشان می دهد که این میدان چقدر وسعت دارد و امریکائی ها برای اهداف اساسی خود آن را ساخته اند. در کندهار حدود سی هزار نیروی داخلی و خارجی مستقر بوده و به همین پیمان نیرو های طالب و القاعده نیز درین ولایت جا به جا می باشند.

جنرال مک کریستال یکی از جنرال های چهار ستاره و مهم امریکائی که بعد از فروکش جنگ عراق به افغانستان فرستاده شد تا این جا را هم مطیع استعمار گران امریکائی بسازد، روز های روز نقشه جنگ در کندهار و روی پاکسازی آن توسط نیرو های امریکائی کار می کرد. او که نام عملیاتش را «امید» گذاشته بود، قبل ازینکه چنین عملیاتی را به سر برساند، به علت اظهار نظرهای خاصش در مورد برخی از حاکمان فعلی دولت امریکا با یک ضرب الاجل امریکائی به واشنگتن احضار و از کار برکنار گردید. در زمان تدوین عملیات امید و تأکید مک کریستال بر انجام این عملیات تصفیه ئی در کندهار به نظر می رسید که او در پنتاگون و کاخ سفید هواداران کمی دارد. به این خاطر برخی ها اظهارات مک کریستال را بهانه ای از سوی اداره اوباما دانسته و علت برکناری او بیشتر به خاطر تأکید بر این عملیات بوده است. فرماندهان ناتو در افغانستان وقتی مسؤولیت امنیت را در ۲۰۰۶ به دست گرفتند، اولین جنگهای آنان در قندهار به راه افتاد و اعلان کردند که تا شش ماه مخالفان را شکست داده و افغانستان را از وجود تروریسم تصفیه می نماید، اما در عمل معلوم شد که این کار در توان این نیرو ها نبوده و این اعلان بیشتر از یک لاف نیست، بعد ها گفتند که تا دوسال این کار را خواهند کرد و بعد چپ خود را گرفته، حال که ۴ سال از آن وعده می گذرد، تسلط طالبان بر قندهار بیشتر شده و نه تنها با این همه امکانات و سرباز این ولایت آرام نشده بلکه درین مدت حلقه تسلط طالبان بر این ولایت اضافه شده و روز تا روز مناطق بیشتری از این ولایت را زیر کنترل می گیرند.

عملیات اخیر نیرو های امریکائی در ماله جات، ارغنداب، خواجه ملک، پنجوائی و ژیری با این که از نظر مالی تاوان های بسیاری برای مردم این مناطق به وجود آورد چون موقع جمعآوری میوه بود، اما به هیچ وجه بر تصفیه مخالفان درین جا ها موثر نبوده ، دست آنان شبانه در شهر قندهار همچنان باز می باشد. گروههای طالبان شبانه در بعضی مناطق و کوچه های شهر گشت و گذار دارند و حتی از مردم باج می گیرند. مردم ازین بابت به شدت اظهار بد امنی در شهر کرده و خود را بر جان و مال خود حاکم احساس کرده نمی توانند. شب یکشنبه تاریخ ۱۰ اکتوبر، با اینکه عملیات نیرو های ناتو در بعضی از ولسوالی های کندهار جریان داشت، طالبان با سازماندهی ۱۴ عملیات انفجاری در شهر کندهار نشان دادند که زنده و فعال هستند و برای به سر رساندن اهدافی در داخل شهر نیز دست به کار شده می توانند. درین شب طالبان بر زندان و پوسته خواجهک حمله کرده که درین حمله قادر به آتش کشیدن چند

تانکر مربوط به ناتو هم شدند و در ساعت دوازده و نیم شب سه موشک بر شهر قندهار آتش کردند. درین چند عملیات در آن شب دو نفر کشته و ۶ نفر دیگر زخمی شدند. صدای ماشیندار های طالبان که بر دوپسته در داخل شهر حمله نموده بودند تا نقاط دور دستی قابل شنیدن بود.

وضعیت قندهار نشان می دهد که حضور این همه نیروی خارجی درین ولایت و وجود چنین میدانی با این همه امکانات نظامی، بر زندگی امنیتی مردم تاثیرچندانی نداشته، با اینکه بسیاری از زورمندان و پولداران درین اواخر قندهار را ترک نموده اند، اما مردم بیچاره و کم در آمد این شهر باید تا سالها بار این همه بدبختی ها را به شانه بکشند و این فشار ها را متحمل شوند و در نهایت خطر مرگ را به جان بگیرند. این چنین عملیات گسترده در یک شب با حضور این همه نیروی افغان و خارجی در شهر قندهار بیشتر به معما می ماند نه واقعیت، زیرا وقتی طالبان با چنین وضعیتی قادر به انجام عملیات اند، چه دلیلی وجود دارد که در ولسوالی های دور دست نیرو ها و اداره دولت را به گوشه ای نرانند و کارکارمندان دولت را متوقف ن سازند؟

دند غوری مرکز اصلی طالبان:

به روز ۱۷ اکتوبر نیرو های امریکائی به مدت شش ساعت یک عملیات هوائی را بر منطقه دند غوری ولایت بغلان انجام داد. این ولایت که در شرایط کنونی یکی از نا امن ترین ولایات کشور می باشد، برای امریکائی ها به خاطر انتقال اکمالات شان از شمال کشور بسیار مهم می باشد. همچنان چون این ولایت بر دهانه سالنگ شمالی موقعیت دارد باز هم تا حدی امریکائی ها را نگران ساخته که اگر طالبان و القاعده در مجموع بر این منطقه تسلط پیدا کنند، وضعیت شمال را در مجموع برای حضور غربی ها مشکل خواهند ساخت. لذا نیرو های خارجی تا حدی درین مورد حساس می باشند. در تاریخ ۱۷ اکتوبر یک حمله هوائی شش ساعته نیروی هوائی ناتو بر دند غوری باعث کشته شدن ۱۸ نفر طالب شد که در میان آنها قومندانان طالب به نام های ملا بدر، ملا فدا، قاری بشر و ملا دوست محمد نیز به قتل رسیدند. قتل این افراد را مردم محل نیز تصدیق کرده اند. این کشتار در بغلان برای طالبان سخت تمام می شود چون دند غوری یکی از پایگاه های طالبان در بغلان به حساب می آمد و بیشتر نقشه های جنگ و حمله طالبان در بغلان ازین مرکز تنظیم می شد اینکه قتل این چهار قومندان چقدر بر فعالیت های بعدی طالبان در بغلان اثر گذار خواهد بود، در آینده دیده شود.

جنایتکاران جنگ، پیامبران صلح!!

اشغالگران که مقدرات کشور های اشغالی را در مشت خود دارند ، هر طوری بخواهند از جواسیس و مزدوران خود استفاده کرده می توانند. آنها وقتی بخواهند این جنایتکاران را در اذهان عمومی برای خوب نشان دادن خود بد جلوه دهند، برای زدن هر حرفی به ضد آنان به گردن چنین افرادی مدال می آویزند و آنگاه که بخواهد از آن ها برای بهبود بخشیدن به وضعیت شان استفاده کنند این افراد را به عنوان پیام آوران صلح تبلیغ می کنند. اکنون که ظاهراً کرسی را در رأس صلح و ایجاد رابطه دوستانه با بخشی از طالبان وارد میدان ساخته، همان جنایتکاران دیروزی مانند ربانی ، مجددی ، سیاف ، محقق، محسنی، خلیلی، سید نورالله، ارغندیوال، رحمانی ، رئیس بگرام، ملا حکیم و دیگران را وارد این میدان ساخته و از آنان سود می برد. اینان هم برای به اصطلاح پیشبرد این پروسه می خواهند تا جنایتکاران هم کیش شان را از لیست های سیاه حذف کنند، کاریکه نظر امریکا دران مستقیماً دخیل است. به این خاطر اینک با سرعت یافتن «پروسه صلح» با طالبان و تشکیل شورای «عالی صلح» یا شورای

جنایتکاران بار دیگر از حذف نام برخی از اعضای بلند پایه طالبان که با القاعده رابطه ندارند، بحث در میان است. این لست بعد از یازده سپتمبر به اشاره دستگاه های استخباراتی امریکا به خاطر تمرکز افکار عمومی به ضد طالبان و برانگیختن احساسات مردم دنیا که گویا امریکا مظلوم واقع شده است، توسط شورای امنیت ملل متحد ساخته شد. این در حالیکه برخی ازین طالبان حال یا زنده نیستند و یا با طالبان ارتباط و فعالیتی ندارند. این لست در آن زمان برای این افراد می توانست مهم باشد، چون نمی توانستند مسافرت کنند و یا زندگی علنی داشته باشند. درین لست نام ۱۳۶ نفر از قومندانان و رهبران ارشد طالبان وجود دارد. از چندی به اینسو که کرسی مصالحه با طالبان را اساس سیاستش قرار داده تا حال ده تن از طالبان ازین لست حذف شده اند. این در حالیست که اعضای شورای عالی صلح خواهان سفید شدن نام عده دیگری از طالبان ازین لست می باشند، شورای امنیت سازمان ملل نیز درین زمینه آغاز به کار کرده و سخنگوی وزارت خارجه امریکا نیز گفته است که ازین سیاست حمایت می کند. وی می گوید که امریکا ضرورت بودن نام آن عده از طالبانی را که با القاعده رابطه ندارند بیش ازین نمی بیند. ارسال رحمانی یکی از جنایتکاران طالب که در زمان امارت طالبان معاون وزارت معارف بود و حال عضو مشرانو جرگه و عضو شورای عالی صلح می باشد، این ضرورت را توضیح داده، در ضمن می گوید که امکان گفت و گو با طالبان در ترکمنستان، عربستان، مصر و یا ترکیه وجود دارد. اینکه قاری یوسف احمدی سخنگوی طالبان با جدیت بیان می دارد که طالبان هیچ طرحی برای مصالحه و یا گفتگو با دولت افغانستان ندارد، اما رحمانی از برگزاری چنین مذاکراتی در یکی از چهار کشوری که در بالا ذکر شد، یاد می کند، نشان می دهد که تا وقتی بادران دو طرف تصمیم به چنین کاری نگیرند این حرف ها مفت و بی ارزش می باشد.

یکی از شروطی که هالبروک برای به سر رسیدن پروسه مصالحه جداً مطرح نموده، در نظر گرفتن منافع ستراتیژیک ایالات متحده و مصالحه با آن طالبانی که در پیوند با القاعده قرار نداشته باشند، می باشد و حال که قرار است نام عده دیگری از سران طالب نیز از لست سیاه حذف گردد، باز هم همین شرط اساس قرار داده شده است، با این سیاست، شورای امنیت سازمان ملل و ایالات متحده می خواهد تا میان طالبان و القاعده ظاهراً درز ایجاد گردد، اینکه این تشخیص که کدام قومندان طالب با القاعده در رابطه است و کدام یک در رابطه نیست باز هم از معما هائی است که باید دست اندرکاران مصالحه نه تنها آن را حل بسازند که شورای امنیت و ایالات متحده را نیز قناعت بدهند. اینکه رهبری طالبان مخصوصاً جناح ملا عمر چقدر خواهد توانست که در راه مصالحه با دولت افغانستان روابط شان را با القاعده قربانی کند، باز هم باید در عمل دیده شود، اما سرسختی ملا عمر برای تحویل ندادن اسامه بعد از یازده سپتمبر که بالاخره به ختم قدرت و امارتش در افغانستان انجامید، این را نشان می دهد که باز هم به چنین چیزی تن نخواهد داد مخصوصاً اگر در پشت پرده امریکائی ها نیز به چنین کاری موافق نباشد از سوی استخبارات پاکستان و یا به طور مستقیم بر آنها اثر خواهد گذاشت، اما این هم روشن است که عده ای از قومندانان طالب با برخورد های خونین اعضای عرب و چینی القاعده نسبت به هموطنان افغان شان ناراضی هستند و نمی خواهند که در برابر چشمان شان سربریدن جوانان افغان را ببینند. علوئاً قومندانان القاعده همیشه در افغانستان کوشش کرده اند تا در جنگ افغانستان نسبت به قومندانان طالب بالا دستی داشته باشند و قومندانان طالب را اجازه هر نوع قدرت رانی نمی دهند. اخیراً گزارشاتی از کندز می رسند که میان قومندانان طالب و اعضای غیر افغان القاعده تا حال چند بار کشیدگی به میان آمده و حد اقل هفت تن از سران طالب و حزب اسلامی را درین ولایت خلع سلاح کرده اند که والی طالبان در کندز، مسؤول نظامی طالبان درین ولایت و ولسوال چهاردره طالبان جزء خلع سلاح شدگان اند.

با اینکه تا حال طالبان از همچو مصالحه ای استقبال نکرده اند، اما این دولت افغانستان است که برای انجام این مصالحه این چنین تبلیغ می کند و بار دیگر سران جنایتکار تنظیمی را وارد صحنه کرده است ممکن نیست تا نظر امریکائی ها درین کار دخیل نباشد، چون دولت مزدور افغانستان توان زدن حرفی را بدون اجازه امریکا ندارد. این کار ها نه اینکه اصل کار باشد، اما جوانب کار است که با آن می شود آرام آرام به اصل مصالحه نزدیک شد. مطمئناً که القاعده نیز در چنین شرایطی حساس شده و اجازه نمیدهد که قومندانان طالب ازین پروسه استقبال کنند. زیرا چنین صلحی کاملاً برخلاف منافع القاعده بوده ، در صورتیکه طالبان به مصالحه تن در دهند، به حاکمیت کنونی بپیوندند و بالاخره جنگ در افغانستان خاتمه یابد، راه برای تجرید القاعده درین منطقه هموار خواهد شد و در آن وقت سران این سازمان در منطقه محدود وزیرستان قادر به پنهان نمودن خود ونیرو های شان نخواهند شد، به این خاطر این پروسه به شدت پیچیدگی دارد و با به راه افتادن آن منافع برخی تأمین میگردد و رهبران جهادی از روزیکه جاپان برای این مصالحه ۵۰ میلیون دالر کمک کرد، دیوانه شده و حال کوشش می کنند به هر طریقی این پول ها را به جیب بزنند و در جریان کار پول های دیگری نیز از سوی اربابان تهیه خواهد شد و این جرثوم های کثیف زیر نام ادامه مصالحه به پول های دیگری دست خواهند یافت چیزیکه در قدم اول این منافع پولی برای شان با اهمیت می باشد.

اعلان نتایج انتخابات باز هم به تعویق افتاد:

با اینکه قرار بود که نتایج ابتدائی انتخابات مسخره ولسی جرگه به تاریخ ۲۵ میزان مطابق به ۱۷ اکتوبر از سوی کمیسیون برگزاری انتخابات اعلان شود، اما بار دیگر این اعلان به تعویق افتاد و گفته می شود که در روز چهارشنبه آینده مطابق به ۲۷ اکتوبر اعلان خواهد شد. اما این انتخابات که بیش از یک ونیم میلیون نفر در آن شرکت نکرده بودند و کمیسیون می گوید که در آن بیش از چهارونیم میلیون نفر شرکت کرده از دروغ های شاخدار این کمیسیون است تا به جهان نشان دهد که مردم این رژیم این انتخابات را قبول دارند. با تمام این ادعا ها حال گفته می شود که ۴۵۰۰ شکایت انتخاباتی برای کمیسیون بررسی شکایات رسیده است و در رأی ۱۷۵ نفر که ۲۵ تن آنان از وکلای بر حال میباشد دغل بازی صورت گرفته است و قرار است تا درین هفته مورد بررسی قرار گیرد که اگر ثابت شد این افراد به محکمه راجع خواهند شد. اینکه چه معیار هائی برای تثبیت این کار وجود دارد کسی نمیداند، اما همه مردم در افغانستان به این باورند که بیش از ۹۰ درصد کاندیدانی که برنده می شوند افرادی اند که در کار شان تقلب کرده اند ، اما حال فقط از مجموع ۱۷۵ نفر را تقلب کار معرفی می کنند تا پای خود را درین انتخابات پاک نشان دهند.